

متولدین

جامعه‌شناسان می‌گویند افراد در هر دوره‌ای از تاریخ ویژگی‌هایی به دست می‌آورند که با نسل‌های قبل و بعد از خود تفاوت بسیار دارد اما در اغلب افراد آن نسل مشترک است. چه چیزی باعث ایجاد این ویژگی‌های مشترک می‌شود؟ در هر نسلی تحولات مختلف فرهنگی،

سیاسی، اجتماعی، علمی و ساختاری مهمی وجود دارد که مردم با آن روبه‌رو می‌شوند. این تحولات زمینه را برای ایجاد صفات مخصوص در هر نسل فراهم می‌کند.

مثلاً جوانان دهه‌ی پنجاه انقلاب‌کنند و در دهه‌ی شصت به جبهه بروند.

به‌گونه‌ای که می‌توان گفت از دیدگاه فرهنگی و اجتماعی به شکل مشابهی تربیت شده‌اند.

در طبقه‌بندی جامعه‌شناسان نسلی به نام نسل Z تعریف شده است که در سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۰ میلادی یعنی سال‌های بین ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۹ شمسی متولد شده‌اند.

یکی از مهم‌ترین مسائل این گروه سنی، شتاب و تنوع رشد تکنولوژی است. از طرفی توجه به این نکته ضروری است که جدا از جغرافیای زیستی، دوره‌ی تاریخی و مواجهات ساختاری، همه‌ی انسان‌ها در دوران نوجوانی دارای خصوصیات مشترکی هستند؛ ویژگی‌هایی چون هیجانی بودن، استقلال‌طلبی، ماجراجویی، خودرأیی، توجه به خود، تعلق به گروه‌های هم‌سال و... از طرفی دیگر حاکمان فضای مجازی تلاش می‌کنند با دسترسی‌های آسان، ارزان و گاهی رایگان،

حاکمان فضای مجازی تلاش می‌کنند با دسترسی‌های آسان، ارزان و گاهی رایگان، علایق و سلیقه‌ی همه را پوشش دهند تا غیر مستقیم جوامع بشری را کنترل کنند. اکنون که در دنیا جنگ شناختی برقرار است، عده‌ای با استفاده‌ی ابزاری از یافته‌های علمی به پیشبرد اهداف خود می‌پردازند. با رواج گفتمانی که قصد تلقین افکار و عقاید خاص به ذهن مخاطب را دارد بر حوزه‌ی تفکر و درک نوجوانان اثر گذار بوده‌اند.

زهرا مرزبان

ماهانده‌ی دیدار / شماره‌ی ۱۶۹ / فروردین ۱۴۰۳

Generation Z



بعد از توکل

تحقیقات بعد از اغتشاشات ایران نشان داد با گره خوردن توجه نوجوانان در فضای مجازی به مشکلات و چالش‌هایی همچون آزادی، حجاب، فقر، بیکاری، تحصیلات و سلامتی و با اتکا به اینترنت، اینستاگرام و تلگرام عده‌ای از نوجوانان ایرانی با ترند کردن «#پاشیم - درستش - کنیم» در نیمه‌ی دوم سال ۱۴۰۱ به میدان سیاسی وارد شدند. دختران و پسران به جای ایفای نقش مثبت و کارآمد در حل مسائل و مشکلات و اعتراض به آن‌ها، به اغتشاشگرانی تبدیل شدند که با هدایت لیدرهای خارج از کشور، با جان خود بازی کردند. اقدام به خسارت زدن به اموال عمومی، تعرض به نیروهای امنیتی و پلیس، ایجاد ناامنی برای هموطنان و دست خود را به خون جوانان و افراد جامعه آلوده کردند. اگرچه صدای اتفاق‌های چند ماهه‌ی اغتشاشات و انقلاب ناکام سلبریتی از گلو صدای نسل Z فریاد زده شد و عمر کوتاهی داشت؛ اما حاصل این رنج ملی به وجود آمدن گوش‌های شنوایی است که آماده‌ی شنیده شدن صدای پر قدرت و عدالتخواه این نسل در جمهوری اسلامی ایران است.

تحقیقات بعد از اغتشاشات ایران نشان داد با گره خوردن توجه نوجوانان در فضای مجازی به مشکلات و چالش‌هایی همچون آزادی، حجاب، فقر، بیکاری، تحصیلات و سلامتی و با اتکا به اینترنت، اینستاگرام و تلگرام عده‌ای از نوجوانان ایرانی با ترند کردن «#پاشیم - درستش - کنیم» در نیمه‌ی دوم سال ۱۴۰۱ به میدان سیاسی وارد شدند. دختران و پسران به جای ایفای نقش مثبت و کارآمد در حل مسائل و مشکلات و اعتراض به آن‌ها، به اغتشاشگرانی تبدیل شدند که با هدایت لیدرهای خارج از کشور، با جان خود بازی کردند.

علائق و سلیق همه را پوشش دهند تا از این طریق جوامع بشری را کنترل کنند. اکنون که در دنیا جنگ شناختی برقرار است، عده‌ای با استفاده‌ی ابزاری از یافته‌های علمی به پیشبرد اهداف خود می‌پردازند. با رواج گفتمانی که قصد تلقین افکار و عقاید خاص به ذهن مخاطب را دارد بر حوزه‌ی تفکر و درک نوجوانان اثر گذار بوده‌اند.

آن‌ها با برچسب «شب‌گردان و بومیان فضای مجازی» به نوجوانان، به تربیت دستبرد زده و در نهادینه کردن ویژگی بی‌تفاوتی تلاش کرده‌اند. از شجاعتی سخن به میان می‌آورند که از مسیر حقیقی شجاعت عبور نمی‌کند اما عکس‌العملی شبیه به شجاعت دارد. به نوجوان تلقین می‌شود؛ تو آن قدر شجاعی که مقدساتی چون دین، پدر و مادر و معلم را جسورانه به حساب نیاوری (پشت کردن به اصول دینی و اخلاقی و بی‌قاعدگی به جای شجاعت)، تو قهرمان ترمز کنترل جمعیت هستی و پدرسالاری را کنار زده‌ای و سالار زندگی تک فرزندی و دو فرزندی شده‌ای و ملاک انتخاب، پسند توست. یعنی هرچه را دوست داشته باشی می‌پذیری و هرکسی که به تو نه بگوید، به راحتی کنار می‌زنی.

آری تو از نسل کتاب نخوانده‌هایی هستی که روایت‌ها را از فیلم و سینما گرفته. تو شبگرد فضای مجازی هستی، پس هویت تو تغییر کرده است. تو ماهیتاً معترض هستی و اگر موجی ایجاد شود با تمام قوا با آن همراه می‌شوی و جریان خلق می‌کنی تا اعتراض خود را هر بار به یک چیز منتسب کنی. بنابراین اینترنت، اینستا و تلگرام با طرح‌واره‌های ذهنی و روایت‌های جذاب و هیجانی، نوجوان را به حرکت در می‌آورد. حال با این پیش‌فرض‌هایی که در ذهن نوجوان گریزپا تلقین می‌شود چطور ممکن است او اصول و قوانین صحیح و ارزشمند را بپذیرد؟!

